

مادر بدون روسری و با لباس‌های کوتاه و تنگ در خیابان قدم می‌زند و پدر با شلوارک، گاه آستین‌حلقه‌ای و بعضاً با خال کوبی‌های ریز و درشت، بدن را به نمایش گذاشته‌اند!
این‌ها یعنی: «دخترم! پسرما! حجاب، ارزشی برای رعایت‌کردن ندارد و «غیرت» یک کلمه کهنه است.»

به گزارش خبرگزاری فارس، نوجوان امروز میان مَدِ برهنگی و کرامت پوشش ایستاده است. وقتی خانواده‌الگوی خوبی برای پوشش نیست، نوجوان ما میان خیابان و خانه سردرگم مانده است. **نگاهی به تأثیر بی‌حجابی بر روان و هویت نوجوانان**
حجاب، فقط یک «باید و نباید» شرعی نیست؛ یک نظام تربیتی، روانی و اجتماعی است که هر قشری از جامعه را به شکلی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وقتی از بحران حجاب صحبت می‌کنیم، معمولاً بزرگ‌تراها را می‌بینیم؛ اما گمشده اصلی این ماجرا، نوجوانان هستند. نسلی که نه درکی از فلسفه پوشش دارد و نه ابزاری برای مقاومت در مشغله‌های روزمره‌اند و نمی‌بینند که فرزندان در فضای مجازی و خیابان، چه گه‌گاهی را می‌بلعد.

تأثیر بی‌حجابی بر نوجوان (دختران و پسران)

۱. **سردرگمی هویتی (من کیستم؟)**
نوجوان در سن کشف هویت است.اگر پوشش و رفتار نامناسب و یا آرایش‌های زودهنگام و ناپجا را ببیند، تصویر برستی از «زن بودن» یا «هرم بودن» برایش شکل نمی‌گیرد. دختر باشد، فکر می‌کند ارزشش به «دیدشدن اننام» است، نه به «دیده‌شدن شخصیت» و پسر باشد، یاد می‌گیرد نگاه‌کردن به اندام دیگران یک «رفتار عادی» است و غیرت را فراموش می‌کند. در نتیجه، نسلی خواهیم داشت که هم خودش را گم می‌کند و هم به حریم دیگران احترام نمی‌گذارد.

۲. **عادی‌سازی زودهنگام روابط سطحی**
وقتی نوجوان هر روز در خیابان، پوشش بزرگ‌تراها را می‌بیند که مرزهای حریم را

رعایت نمی‌کنند، برای او این رفتار «عادی» می‌شود.

دیگر برایش فرقی نمی‌کند که یک لباس، مناسب خانه است یا خیابان و در ذهنش، «جنابیت ظاهری» جایگزین «جنابیت اخلاقی، شخصیتی و علمی» می‌شود.

۳. **تضعیف غیرت و مسئولیت‌پذیری در پسران**
پسرهای نوجوان، با دیدن پوشش‌های نامناسب در جامعه، به‌مرور نگاهشان تغییر می‌کند. غیرت، به یک مفهوم کهنه تبدیل می‌شود و یاد می‌گیرند که «همه چیز در جامعه آزاد است». این نگاه، در آینده، به بی‌مسئولیتی در قبال همسر و خانواده منجر می‌شود.

۴. **شکاف نسلی عمیق بین والدین و فرزندان**
وقتی مادری بدون روسری و با پوشش نامناسب در خیابان حاضر می‌شود، دختر نوجوانش این رفتار را الگوی اصلی خود قرار می‌دهد و پیش خود می‌گوید: «حجاب ارزش چندانی ندارد، چون مادرم هم آن‌را رعایت نمی‌کند.» اما شکاف وقتی عمیق‌تر می‌شود که همین مادر از دخترش می‌خواهد مثلاً با پسرها رفت‌وآمد نداشته باشد، حیا را رعایت کند. دختر با یازده‌های دیجیتالی نامناسب دوری کند. دختر در ذهنش این دو پیام متضاد را کنار هم می‌گذارد، «تو خودت در مهم‌ترین مسئله (پوشش) برای خودت حد و مرزی قائل نیستی، اما از من انتظار داری در بقیه مسائل مقید باشم؟» از سوی دیگر،

وقتی مادری بدون روسری و با پوشش نامناسب در خیابان حاضر می‌شود، دختر نوجوانش این رفتار را الگوی اصلی خود قرار می‌دهد و پیش خود می‌گوید: «حجاب ارزش چندانی ندارد، چون مادرم هم آن‌را رعایت نمی‌کند.» اما شکاف وقتی عمیق‌تر می‌شود که همین مادر از دخترش می‌خواهد مثلاً با پسرها رفت‌وآمد نداشته باشد، حیا را رعایت کند. دختر با یازده‌های دیجیتالی نامناسب دوری کند. دختر در ذهنش این دو پیام متضاد را کنار هم می‌گذارد، «تو خودت در مهم‌ترین مسئله (پوشش) برای خودت حد و مرزی قائل نیستی، اما از من انتظار داری در بقیه مسائل مقید باشم؟» از سوی دیگر،

تغییر مدل پوشش در میان بخشی از جوانان دیگر صرفاً یک انتخاب ظاهری نیست؛ لباس به ابزاری برای دیده شدن، ابراز هویت، تعلق به گروه همسالان و حتی رقابت در فضای مجازی تبدیل شده است؛ روندی که کارشناسان آن را حاصل ترکیبی از تغییرات فرهنگی، فشار همسالان، اقتصاد صنعت مد، الگوبرداری از چهره‌های مشهور و نقش فرایزنده شبکه‌های اجتماعی می‌دانند. به گزارش فارس، یک روز شلوار، روز دیگر مانتو، چند روز بعد نقش یا مدل خاصی از پوشش؛ ترندها با سرعتی کم‌سابقه وارد زندگی جوانان می‌شوند و پیش از آنکه یک سبک فرصت تثبیت پیدا کند، سبک دیگری جای آن را می‌گیرد. پوشش، اما فقط سلیقه‌ای مربوط به ظاهر نیست. لباس می‌تواند زبان خاموش فرد برای معرفی خود، تعلق اجتماعی، سبک زندگی و حتی فاصله‌گرفتن از یک گروه یا نزدیک‌شدن به گروهی دیگر باشد.

پژوهش‌های اجتماعی نیز نشان داده‌اند که جوانان از لباس برای ساخت و نمایش هویت خود استفاده می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی این فرایند را تشدید کرده‌اند. یک مطالعه منتشرشده در سال ۲۰۲۶ درباره جوانان نشان می‌دهد که لباس می‌تواند هم ابراز بیان هویت و هم وسیله‌ای برای مدیریت تصویری باشد که فرد از خود در جامعه ارائه می‌دهد.

مسئله از جایی جدی می‌شود که «انتخاب لباس» از یک تصمیم شخصی به معیار پذیرفته‌شدن در جمع تبدیل شود؛ جایی که جوان احساس کند اگر شبیه ترند روز لباس نباشد، از گروه عقب مانده است.

مدها انتخاب شخصی یا سلیقه دیده شدن؟

برای بسیاری از جوانان، پوشش بخشی از هویت است؛ اما شبکه‌های اجتماعی این هویت را به یک ویترین عمومی تبدیل کرده‌اند.

جوان امروز فقط لباس نمی‌پوشد؛ او ممکن است لباس خود را برای عکس، ویدئو، مهمانی، دانشگاه، محل کار و حتی یک پست مجازی انتخاب کند. در چنین فضایی، «چگونه دیده‌شدن» می‌تواند به اندازه «چگونه بودن» اهمیت پیدا کند. مطالعات انجام‌شده درباره رفتار مصرفی نوجوانان نیز نشان می‌دهد که اعتمادبه‌نفس، فشار همسالان و رسانه‌ها می‌توانند همزمان بر انتخاب لباس و رفتار مصرفی آنان اثر بگذارند. در نتیجه، آنچه در ظاهر یک انتخاب ساده به نظر می‌رسد، گاهی حاصل مجموعه‌ای از پیام‌های اجتماعی است.

نسل قبل به او می‌گوید که حجاب واجب است، اما برای دختر، رفتار عینی و روزمره مادر، ملموس‌تر و باورپذیرتر از حرف‌های انتزاعی نسل قبل است. او در میان این دو جبهه (مادر ناهماهنگ و نسل قبل گفتاری)، نه حرف مادر را می‌پذیرد، نه خود را به نسل قبل نزدیک می‌بیند؛ در یک گسست هویتی دوطرفه، تنها می‌ماند و مرجعیت هیچ‌کدام را برای خود قبول نمی‌کند. این دقیقاً همان شکاف عمیق نسلی است که ریشه در ناهماهنگی گفتار و رفتار والدین دارد و مرجعیت نسل قبل را برای همیشه در ذهن او بی‌اثر می‌کند.

۵. **فشار روانی دوگانه (خانه در مقابل جامعه)**

خیلی از نوجوانان، در خانه یک الگو می‌بینند

دوستانت چه دیدگاهی دارند؟.. این کار باعث می‌شود دختر احساس نکند بین دو جبهه گرفتار شده است.

۲. **تفکیک «ارزش» از «هنجار اجتماعی»**
به نوجوان کمک کنیم که بین «باور قلبی خودش» و «فشار گروه» تفاوت قائل شود. از او بپرسیم: «اگر هیچ‌کس نگاهت نمی‌کرد، خودت دوست داشتی چه پوششی داشته باشی؟» این سؤال، قضاوت را به خود نوجوان واگذار می‌کند و خودش به‌ضرورت پوشش پیشنهادی والدین می‌رسد.

۳. **تمرین «نه گفتن محترمانه»**

به دختر یاد بدهیم که در برابر دوستانش بدون پرخاشگری بگوید: «این انتخاب منه، لطفاً بهش

«مَدِ برهنگی» بلای جان هویت نوجوان امروز

احترام بگذار!» این مهارت، او را از پنهان‌کاری و استرس نجات می‌دهد.

۴. **انتخاب آگاهانه به‌جای اجبار**

به‌جای «باید پوششی»، بگوییم: «این پوشش به تو کمک می‌کند در جمع‌های مختلف، آرامش بی‌حجاب هستند، میان دوراهی «مورد قبول خانواده بودن» یا «مورد قبول دوستان بودن» گرفتار می‌شود.

۱. **راهکارهای مهارت‌محور برای کاهش فشار روانی دوگانه**

۸. **گفت‌وگوی بی‌قضاوت در خانه**
والدین به‌جای امر و نهی مستقیم، فضایی باز برای گفت‌وگو جهت شنیدن نگرانی‌های نوجوان ایجاد کنند. مثلاً از دخترشان بپرسند: «در مدرسه با چه چالش‌هایی در مورد پوشش روبه‌رو می‌شوی؟



سلیقه جوانان زیر سایه مد و فضای مجازی

در این‌جا مرز میان فرهنگ و اقتصاد باریک می‌شود.

جوان ابتدا یک تصویر می‌بیند، سپس احساس می‌کند مدل فعلی لباسش قدیمی شده است، بعد به دنبال خرید می‌رود و در نهایت تصویر خرید جدید خود را در شبکه اجتماعی منتشر می‌کند، این روند فقط یک پدیده فرهنگی نیست؛ یک چرخه اقتصادی نیز هست.

پژوهش‌های انجام‌شده درباره نوجوانان نشان داده‌اند که لباس همزمان نیاز به تقلید و تمایز را پاسخ می‌دهد؛ یعنی فرد می‌خواهد شبیه گروه خود باشد، اما در عین حال می‌خواهد ویژگی متمایزی هم داشته باشد؛ همین تناقض، موتور قدرتمندی برای بازار مد ایجاد می‌کند.

جوانی که نمی‌خواهد عقب بماند

بخشی از مسئله را باید در روان‌شناسی اجتماعی جوانان جست‌وجو کرد، جوان در مرحله‌ای از زندگی قرار دارد که هویت او هنوز در حال شکل‌گیری و بازتعریف است.

تعلق به گروه دوستان، پذیرش اجتماعی و تصویری که دیگران از او دارند، می‌تواند اهمیت زیادی پیدا کند. در چنین شرایطی لباس به زبان ارتباطی تبدیل می‌شود، یک برند می‌تواند پیام «موقیبت» بدهد؛ یک سبک خاص می‌تواند پیام

ادامه روند فعلی فرزندآوری، چه تغییری در ساختار جمعیت ایران ایجاد می‌کند؟
همه این موارد نشان می‌دهد فرزندان در حال حاضر، هرم سنی جمعیت ما به شکل استوانه درآمده و دیگر هرم نیست، به سمت هرم وارونه حرکت می‌کند؛ یعنی پایین هرم بسیار لاغر و بالای آن بسیار پهن می‌شود که نشان‌دهنده درگیر شدن کشور با پدیده سالخورگی جمعیت و افزایش بسیار زیاد جمعیت سالمندان است؛ موضوعی که چالش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیادی ایجاد خواهد کرد.

مشوق‌های مالی به‌تنهائی می‌توانند نرخ فرزندآوری را افزایش دهند؟
آنچه امروز در قانون جوانی جمعیت وجود دارد و کمتر از ۲۵ درصد آن اجرا می‌شود را

مشوق نمی‌دانم.مشوق یعنی فردی که تصمیم به فرزنددار شدن ندارد، با دریافت امتیاز و حمایت به فرزندآوری ترغیب بشود؛ در حالی که این موارد بیشتر امتیازاتی برای ازدواج‌هایی است که خودشان علاقه‌مند به داشتن فرزند هستند و حداقل امتیازاتی برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

متأسفانه در دولت فعلی میزان اجرای این قانون به کمتر از ۲۵ درصد و در برخی موارد حتی به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است و این موضوع، به نظر من، هیچ توجیهی ندارد.

در کنار این امتیازات، حتماً باید به تغییر نگرش و تغییر ارزش‌های اجتماعی در کشور

توجه کنیم؛ موضوعی که از طریق فرهنگ‌سازی و رسانه‌ها اتفاق می‌افتد. باید نگاه به فرزند از «سربار بودن» به «سرمایه بودن» تغییر کند و فرزند به‌عنوان ارزش و عامل موفقیت دیده شود، نه مانع موفقیت.
چرا برخی زوج‌ها با وجود تمایل به فرزند در نهایت تک‌فرزند می‌مانند؟
متأسفانه الگوی تک‌فرزندی با توهم و



به او کمک کنیم «هویت مستقل» خودش را پیدا کند تا استرس و پنهان‌کاری تبدیل به «انتخاب آگاهانه» و «اعتمادبه‌نفس» شود.

۶. **نیاز به تمایز:** جوان می‌خواهد هم شبیه گروه باشد و هم متفاوت به نظر برسد.

۷. **ضعف تولید فرهنگی داخلی:** هرجا محصول فرهنگی جذاب وجود نداشته باشد، الگوهای آماده خارجی فرصت بیشتری برای نفوذ پیدا می‌کنند.

پژوهش‌های مختلف نیز بر نقش رسانه، همسالان، سلبریتی‌ها و هویت اجتماعی در رفتار پوششی جوانان تأکید کرده‌اند.
یک قاب متفاوت؛ اگر لباس زیان باشد چه می‌گوید؟
شاید بتوان کل مسئله را در یک سؤال خلاصه کرد:

جوان امروز با لباسش چه چیزی می‌گوید؟ آیا می‌گوید «می‌خواهم شبیه دیگران باشم؟» یا «می‌خواهم متفاوت باشم؟» یا «می‌خواهم دیده شوم؟» یا «می‌خواهم پذیرفته شوم؟» یا حتی «می‌خواهم با نسل قبل متفاوت باشم؟»

پاسخ هر کدام از این پرسش‌ها، مسیر تحلیل را تغییر می‌دهد. به همین دلیل، نگاه صرفاً ظاهری به پوشش نمی‌تواند همه ابعاد مسئله را توضیح دهد.

لباس، در بسیاری از مواقع، نشانه‌ای از یک مسئله عمیق‌تر به نام هویت است.

میدان واقعی، ذهن جوانان است

تغییر الگوی پوشش جوانان را نمی‌توان فقط با چند مدل لباس، چند فروشگاه یا چند صفحه مجازی توضیح داد.

پشت این تغییر، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و رسانه‌ای قرار دارد؛ از نیاز جوان به هویت و تعلق گرفته تا قدرت الگوریتم‌ها، اینفلوئنسرها و صنعت جهانی مد.

جوان این روند را «تهاجم فرهنگی» بنامیم، باید دقیق‌تر بگوییم کدام بخش آن تبادل طبیعی فرهنگی است، کدام بخش محصول اقتصاد جهانی مد و کدام بخش می‌تواند در خدمت تغییر ارزش‌های فرهنگی قرار گیرد.

مقابله مؤثر نیز الزاماً با حذف و ممنوعیت آغاز نمی‌شود؛ از شناخت، گفت‌وگو، تولید الگوی جذاب، حمایت از طراحان داخلی و حضور هوشمندانه در فضای مجازی آغاز می‌شود.

سبک، آن از عادی و سپس مطلوب جلوه می‌دهد، می‌توان کاری کرد که در این جهان، انتخاب‌کننده باشد نه صرفاً مصرف‌کننده ترند.

در نهایت، شاید مسئله اصلی لباس نباشد؛ مسئله این باشد که چه کسی سلیقه یک نسل را شکل می‌دهد.

صفحه ۱۰

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۲۹

رشه‌یابی آسیب‌ها در نوجوانان

این تغییرات در الگوی پوشش نوجوانان، هرگز یک‌شبه رخ نداده و حاصل زنجیره‌ای از غفلت‌های کوچک و بزرگ است؛ از یک سو، خانواده‌ها آن‌چنان درگیر مسئله‌های اقتصادی و زندگی ماشینی شده‌اند که فرصت گفت‌وگوی عمیق با فرزندان را از دست داده‌اند و از سوی دیگر، فضای مجازی با هجوم بی‌وقفه محتوای مبتذل و مدل‌های پوششی غیروومی، دارد آرام‌آرام «حیا» را در ذهن نوجوانان به یک ارزش دست‌وپاگیر و کهنه تبدیل می‌کند.

در این میان، نظام آموزشی ما نیز معمولاً با سکوت می‌کند یا با برخورد‌های صرفاً خشک و دستوری، نه‌تنها جنابیتی برای نوجوان ایجاد نمی‌کند، بلکه گاهی او را به مقاومت بیشتر وادار می‌کند.

راهکارهای نجات از بحران

برای خروج از این بحران خاموش، به‌جای تکیه بر ابزارهای تنبیهی و نظارتی، باید به سراغ یک بازسازی بنیادین در روش‌های تربیتی رفت؛ به این معنا که پدر و مادرها پیش از هر چیزی، خودشان الگوی عملی یک پوشش متعهدانه و باکرامت باشند، زیرا نوجوانان، گفتار را به‌سرعت فراموش می‌کنند، اما رفتار در ذهنشان حک می‌شود. در کنار این، مدرسه و رسانه نیز می‌توانند با تولید محتوای جذاب و داستانی، فلسفه حجاب را نه به‌عنوان یک محدودیت، بلکه به‌عنوان یک «هتیزار شخصیتی» برای نوجوانان تبیین کنند؛ مثلاً نشان دهند که حیا و پوشش مناسب، به نوجوان قدرت «نه گفتن» به نگاه‌های مزاحم و انتخاب یک هویت مستقل را می‌دهد.

همچنین لازم است که نظام آموزشی، بحث مَد و پوشش را به‌جای حذف، به‌عنوان یک موضوع فرهنگی و هنری وارد کلاس‌های درس کند و با برگزاری کارگاه‌های گفت‌وگو، به نوجوانان پیام‌ورد که چگونه در برابر موج رسانه‌ای، یک انتخاب آگاهانه داشته باشند.

۶. **نیاز به تمایز:** جوان می‌خواهد هم شبیه گروه باشد و هم متفاوت به نظر برسد.

۷. **ضعف تولید فرهنگی داخلی:** هرجا محصول فرهنگی جذاب وجود نداشته باشد، الگوهای آماده خارجی فرصت بیشتری برای نفوذ پیدا می‌کنند.

پژوهش‌های مختلف نیز بر نقش رسانه، همسالان، سلبریتی‌ها و هویت اجتماعی در رفتار پوششی جوانان تأکید کرده‌اند.
یک قاب متفاوت؛ اگر لباس زیان باشد چه می‌گوید؟
شاید بتوان کل مسئله را در یک سؤال خلاصه کرد:

جوان امروز با لباسش چه چیزی می‌گوید؟ آیا می‌گوید «می‌خواهم شبیه دیگران باشم؟» یا «می‌خواهم متفاوت باشم؟» یا «می‌خواهم دیده شوم؟» یا «می‌خواهم پذیرفته شوم؟» یا حتی «می‌خواهم با نسل قبل متفاوت باشم؟»

پاسخ هر کدام از این پرسش‌ها، مسیر تحلیل را تغییر می‌دهد.

به همین دلیل، نگاه صرفاً ظاهری به پوشش نمی‌تواند همه ابعاد مسئله را توضیح دهد.

لباس، در بسیاری از مواقع، نشانه‌ای از یک مسئله عمیق‌تر به نام هویت است.

میدان واقعی، ذهن جوانان است

تغییر الگوی پوشش جوانان را نمی‌توان فقط با چند مدل لباس، چند فروشگاه یا چند صفحه مجازی توضیح داد.

پشت این تغییر، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و رسانه‌ای قرار دارد؛ از نیاز جوان به هویت و تعلق گرفته تا قدرت الگوریتم‌ها، اینفلوئنسرها و صنعت جهانی مد.

جوان این روند را «تهاجم فرهنگی» بنامیم، باید دقیق‌تر بگوییم کدام بخش آن تبادل طبیعی فرهنگی است، کدام بخش محصول اقتصاد جهانی مد و کدام بخش می‌تواند در خدمت تغییر ارزش‌های فرهنگی قرار گیرد.

مقابله مؤثر نیز الزاماً با حذف و ممنوعیت آغاز نمی‌شود؛ از شناخت، گفت‌وگو، تولید الگوی جذاب، حمایت از طراحان داخلی و حضور هوشمندانه در فضای مجازی آغاز می‌شود.

سبک، آن از عادی و سپس مطلوب جلوه می‌دهد، می‌توان کاری کرد که در این جهان، انتخاب‌کننده باشد نه صرفاً مصرف‌کننده ترند.

در نهایت، شاید مسئله اصلی لباس نباشد؛ مسئله این باشد که چه کسی سلیقه یک نسل را شکل می‌دهد.



فرزند باکیفیت آغاز می‌شود، اما خودش می‌تواند کیفیت فرزند را به‌شدت کاهش دهد. تک‌فرزندی بزرگ‌ترین ظلمی است که پدر و مادر می‌توانند به خود و فرزندشان روا دارند.

کمال‌گرایی در زندگی فرزند، تأمین رفاهیات، تربیت و آموزش‌هایی که برای او در نظر گرفته می‌شود، باعث می‌شود فرزند آن‌قدر گران، سخت و پرهزینه شود که خانواده از نظر مالی و روحی و روانی امکان داشتن فرزند دوم را نداشته باشد.

افزایش خانواده‌های بدون فرزند چه معنایی برای آینده جامعه دارد؟

کارشناس حوزه جمعیت با تأکید بر پیامدهای کاهش فرزندآوری گفت: ادامه روند فعلی می‌تواند ساختار سنی جمعیت ایران را به سمت سالمندی و هرم جمعیتی وارونه سوق دهد.

به گزارش خبر گزاری مهر، موضوع فرزندآوری در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی کشور تبدیل شده است؛ در حالی که برخی خانواده‌ها به دلایل مختلف تصمیم به نداشتن فرزند یا تک‌فرزندی می‌گیرند،

کارشناسان نسبت به پیامدهای تداوم این روند بر ساختار جمعیتی و آینده اجتماعی کشور هشدار می‌دهند. «صالح قاسمی»، کارشناس حوزه جمعیت در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، ضمن بررسی وضعیت خانواده‌های بدون فرزند، به دلایل تصمیم‌گیری و گذشت چند سال از این تصمیم خود پشیمان می‌شوند و فرزنددار می‌شوند،

میزان اثر گذاری مشوق‌های مالی و دلایل گرایش برخی خانواده‌ها به تک‌فرزندی توضیح داد.

افزایش خانواده‌های بدون فرزند چه معنایی برای آینده جامعه دارد؟

ایسن افزایش از نظر آماری مورد تأیید نیست و آمارهای موجود نشان نمی‌دهد که خانواده‌های بدون فرزند در سال‌های اخیر به شکل معنادار و محسوسی افزایش پیدا کرده باشند.

در نگرش سنجی‌ها و آماری که داریم، حدود ۳ درصد از زوج‌هایی که به‌تازگی ازدواج می‌کنند، با تصمیمی از پیش تعیین‌شده اعلام می‌کنند که فرزند نمی‌خواهند.

البته تعدادی از آنها پس از ورود به زندگی مشترک و گذشت چند سال از این تصمیم خود پشیمان می‌شوند و فرزنددار می‌شوند،